

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

طارق "ارسلانی"

پنجشنبه، ۱۷ فروری ۲۰۲۲

جنجال حقوقی پولهای منجمد شده افغانستان

بتاریخ یازدهم فروری سال جاری، "جو بایدن" رئیس جمهور امریکا طی یک "فرمان اجرائی" اعلان نمود که مبلغ ۳,۵ میلیارد دالر از جمله ۷ میلیارد دالر پول "د افغانستان بانک" را که در "بانک ذخیره فدرال" دولت امریکا نگهداری میگردید، به قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر اختصاص میدهد. این تصمیم سر و صداهای زیادی را در میان افغانها برآه انداخت، حال آنکه مراحل قانونی زیادی در پیش رو است و فیصله نهایی در این مورد هنوز منوط به حکم محکمه میباشد. پس ماجرا از کجا آغاز شد و جنجال حقوقی این فیصله در کجا است؟

دولتهایی که دارای سیستم بانکی قوی نیستند جهت توازن و جلوگیری از بحران های اقتصادی در داخل کشور، یکمقدار ارز و ذخائر طلا را بشکل "پشتوانه" در بانکهای معتبر کشور های بزرگ ذخیره میکنند، افغانستان نیز از گذشته ها همین کار را انجام میداد. در دوران جنگهای داخلی ذخائر پولی افغانستان بمصرف رسید و گروه های جنگی شروع به چاپ بانکنوتهای "بدون پشتوانه" نمودند. در سال ۲۰۰۳ حکومت وقت حامد کرزی تصمیم گرفت تا با چاپ بانکنوت های جدید پول جدید افغانی را در کشور رائج نماید و به ارزش ۱۰ میلیارد دالر (بشکل: افغانی، دالر، یورو، و طلا) را در بانکهای امریکا و اروپا بشکل "پشتوانه" ذخیره نماید که از آنجمله مبلغ به ارزش ۷ میلیارد دالر آن در "بانک ذخیره فدرال" دولت امریکا (و بیشتر از دو بلیون دالر در بانکهای اروپائی) ذخیره میگردید. بعد از آنکه در ۱۵ اگست سال گذشته طالب ها دوباره قدرت را بدست آوردند، دولت امریکا پولهای ذخیره افغانستان را منجمد نمود و برای رهائی این دارائی گاهی حقوق زنها و گاهی هم تشکیل دولت فراگیر را بهانه میآورد، ولی در عین زمان چشمهای حریصی بالای این لقمه چرب چشم دوخته بودند.

بعد از واقعات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱، بتاريخ ۲۲ دسامبر سال ۲۰۱۱ عده ای از فامیل‌های قربانیان حادثه بر علیه ۲۰ دولت و گروه غیر دولتی ایکه از عاملین حوادث حمایت نموده بودند، در محکمه فدرال امریکا اقامه دعوا نمودند* . در دوسیه که تحت نام "هاولیش بر علیه بن لادن" در محکمه ثبت گردیده است اسامی دولتها و گروه های ذیل بحیث "مدافع" (مدعی علیه) درج است: اسامه بن لادن، محمد عمر (احتمالاً منظور از ملا عمر باشد)، دولت ایران، طالبان، القاعده، گروه حزب الله لبنان، خامنه یی، رفسنجانی، سپاه پاسداران ایران، و ۱۰ وزارتخانه و شرکتهای ایرانی. در این دوسیه از دولت افغانستان نام گرفته نشده است اما از طالب ها بشکل "طالبان مشهور به امارت اسلامی افغانستان" ذکر گردیده است. جالب اینکه در این دوسیه از عربستان سعودی که اکثر طیاره ربایان اتباع آن کشور بودند و پاکستان که رهبران القاعده بشمول خالد شیخ محمد (طراح عملیات یازدهم سپتامبر) در آنجا دستگیر شدند، نام گرفته نشده است. در سال ۲۰۱۲ "محکمه محلی جنوب نیویارک" طی فیصله ای مبلغ ۶ میلیارد دالر را به گروه Havlish** (که از جمله ۳۰۰۰ قربانی حوادث یازدهم سپتامبر صرفاً از ۴۷ فامیل نمایندگی میکند) اعطا نمود. در مدت ده سال بعد از فیصله محکمه، هیچ نوع کوششی جهت منجمد نمودن دارائی ها و یا هم بدست آوردن پول از دولت افغانستان صورت نگرفت.

در تابستان گذشته که طالب ها دوباره قدرت را بدست آوردند، دفعتاً گروه Havlish بتاريخ ۲۷ آگست از محکمه در خواست نمود تا حکم مصادره دارائی های افغانستان را بالای "بانک ذخیره فدرال" صادر نماید. قاضی محکمه طی فرمانی به پولیس هدایت داد تا حکم محکمه را بالای دارائی "امارت اسلامی افغانستان که عبارت از طالبان میباشد" تطبیق نماید. در فرمان قاضی آمده است: "طالبان بعد از آنکه در آگست قدرت را بدست آوردند، خود را دولت افغانستان اعلان نمودند و نام کشور را به امارت اسلامی افغانستان تبدیل نمودند که در واقعیت نام طالبان میباشد."

چنانی که در فوق ذکر گردید، در اسناد محکمه "طالبان مشهور به امارت اسلامی افغانستان" منحنیث یکی از گروه هایی که بر علیه آن اقامه دعوا صورت گرفته است، ذکر گردیده است؛ بناً منطبق (یا بی منطقی) فیصله فعلی محکمه بشکلی است که: ۱- چون در ۲۰۱۲ محکمه بر علیه طالبان فیصله نمود، ۲- و چون طالبان ادعا مینمایند که دارائی های کشور متعلق به ایشان است، ۳- فلهاذا همان فیصله قبلی محکمه بالای دارائی کشور نیز تطبیق میگردد. حال آنکه دارائی هیچ کشوری متعلق به دولتهای شان نیست. در ماه دسامبر ۲۰۲۱ دولت امریکا از محکمه تا تاریخ ۲۸ جنوری سال جاری درخواست وقت نمود تا بالای جوانب قانونی فیصله غور صورت گیرد.

دولت جو بایدن که با مشکلات اقتصادی و خطر عروج دوباره "دونالد ترمپ" در داخل و بحرانهای سیاسی در خارج دست و گریبان است، هر روز بیشتر در پائینترین سطح رضایت عمومی در تاریخ امریکا فرو میرود. این دولت چنان در "سه کنجی" قرار گرفته است که جرأت ایستادگی و مجادله با حکم محکمه محلی را ندارد. اما این صرف آغاز کار است و جنبه های حقوقی مصادره این پول آنقدر ها هم ساده نیست. حتی خود دولت بایدن نیز تا هنوز بدرستی تفصیل پروسه مصادره دارائی یک کشور خارجی و اعطای آن به اتباع کشور امریکا را بدرستی نمیداند.

چنانی که در آغاز اشاره گردید، دارائی های کشورهای زیادی در بانک های امریکا و اروپا ذخیره میگردند؛ چنانیکه یک چهارم پولهای که در سیستم بانکی امریکا در جریان است، در واقعیت پولهای کشورهای خارجی است. امریکا (و کشورهای اروپائی) از ذخائر پولی کشورهای دیگر سالانه صدها میلیون دالر مفاد بانکی بدست میآورند. مصادره پولهای افغانستان اعتبار بانکی این کشور ها را بشدت صدمه میزند و کشورهای کوچک و در حال توسعه برای آنکه با سرنوشت مشابهی چون افغانستان مواجه نگردند، طرق دیگری را جهت ذخیره دارائی های خود جستجو خواهند نمود. جهت جلوگیری از همچو پیشامد های، دولت بایدن دو شیوه قانونی را در پیش گرفته است:

۱ - تمام دارائی های "د افغانستان بانک" در یک حساب جداگانه در "بانک ذخیره فدرال" انتقال داده شد. به اینترتیب این دارائی هنوز متعلق به "د افغانستان بانک" است اما صلاحیت استفاده از آن را ندارد.

۲- بانک با استفاده از "قانون ذخیره فدرال" صلاحیت مصادره دارائی کشورهای خارجی را دارد در صورتیکه "وزیر خارجه امریکا شخصی را به حیث نماینده با اعتبار آن کشور برسمیت بشناسد." بر مبنای قانون اساسی امریکا، "فرمان اجرائی" حکم قانون را دارد و مرعی الاجرا میباشد***. ولی برای جلوگیری از غصب و حیف دارایی های کشورهای چند نکته حائز اهمیت میباشد:

- چنانی که ذکر گردید، محکمه در سال ۲۰۱۲ اعطای مبلغ ۶ میلیارد دالر را به قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر فیصله نمود. این مبلغ باید از ۲۰ دولت و گروهی که اقامه دعوا علیه شان صورت گرفته است حصول گردد نه آنکه بیشتر از مناصفه آن (۳,۵ میلیارد) صرفاً سهم یک گروه باشد

- سفارتخانه ها و نمایندگی حکومت قبلی افغانستان در سازمان ملل متحد تا کنون فعال هستند. شخص رئیس جمهور و یا هم وزیر خارجه حکومت پیشین میتوانند تا خود و یا شخص معتمدی را

بحیث نماینده با اعتبار افغانستان معرفی نمایند قبل از آنکه وزیر خارجه امریکا چنین کاری را انجام دهد.

- اگر طالبان واقعاً میخواهند تا این داری ها دوباره به مردم افغانستان تعلق بگیرد، پس با تغییر نام حکومت از "امارت اسلامی افغانستان" و سهم نمودن افراد غیر وابسته به گروه طالبان، یک حکومت ملی و فراگیر را تشکیل دهند. چنین حکومتی میتواند تا با این استدلال که: طالبها یک گروه سیاسی در داخل حکومت میباشد و از کشور افغانستان نمایندگی نمیتواند، در برابر دولت امریکا اقامه دعوا نموده و داری های کشورهای را دوباره بدست بیاورد

- ادعای طالبان که این پول به آنها سپرده شود تا آنرا بالای مردم بی بضاعت افغانستان مصرف کنند، کاملاً نادرست است. این داری ها "پشتوانه پولی" افغانستان است تا ارزش افغانی را در برابر اسعار خارجی ثابت نگهدارد و بهیچصورت نباید مصرف شوند.

از آغاز وقایع یازدهم سپتامبر، تا اقامه دعوا در محکمه، و بالاخره انجماد سرمایه افغانستان؛ پای مردم فقیر و نادار افغانستان به ناحق به این ماجرا کشانیده شده است. حال آنکه کشورهای که اتباع شان عاملین حادثه بودند و یا هم کشوری که اسامه بن لادن در آن بسر میبرد و بالاخره در همانجا به قتل رسید، همه از دوستان و همپیمانان نزدیک امریکا بودند (و تا امروز نیز استند) و سالانه میلیارد ها دالر کمک امریکا را نیز دریافت میکنند، ولی متأسفانه که "آب زور سر بالا میروند" و تمام سنگ ملامت باز هم بر سر کشور بی پناه افغانستان میخورد. اینکه برای ده سال بعد از حکم محکمه در سال ۲۰۱۲ هیچ نوع اقدامی جهت حصول این پولها از حکومت قبلی افغانستان صورت نگرفت، خود بیطرفی فیصله فعلی محکمه را مورد سوال قرار میدهد. واقعاً شرم است بر انسانیت که غنی ترین کشور جهان از سفره فقیر ترین مردم جهان میدزدد.

طارق ارسلانی - ایالت ورجینیا، امریکا

* ناگفته نماند که این یگانه اقامه دعوا از جانب فامیلهای قربانیان یازدهم سپتامبر نیست، بلکه اقامه دعوا های دیگر نیز از جانب بعضی از فامیلهای قربانیان در محکمه ثبت گردیده است که در بعضی از آنها اسمای دولت عراق، صدام حسین، دولت سودان و غیره ذکر گردیده است.

** Fiona Havlish اسم یکی از خانمهایی بود که شوهر خود را در حادثات یازدهم سپتامبر از دست داد. گروه Havlish از جمله ۳۰۰۰ قربانی حوادث یازدهم سپتامبر صرفاً از ۴۷ فامیل نمایندگی میکند. اکنون متباقی فامیلهای قربانیان یازدهم سپتامبر دعوا دارند تا از این پول برای آنها نیز باید

سهمی برسد. از همین اکنون جنجالهای جدید قانونی و اقامه دعوی فامیلهای قربانیان یازدهم سپتامبر بر علیه یکدیگر آغاز گردیده است.

*** نظر به قانون اساسی امریکا مجلسین سنا و کانگرس میتوانند تا با وضع قانون جدید جلو "فرمان اجرائی" را بگیرند، اما این عملیه بسیار مغلق است که امکانات موفقیت در آن خیلی کم است و در نهایت نیز هر قانونی باید توسط رئیس جمهور امضا و توشیح گردد.

پایان